یادمان

کوچ رجایی خراسانی

ضیاء مصباح
دبیر کانون علوم اداری ایران

● سعید رجایی‌خراسانی میهن‌دوست و پیرو پندار، گفتار و کردار نیک، فعال سیاسی و مذهبی، اثرگذار در روابط خارجی ایران پس از انقلاب و چهره‌ای ماندگار در ۷۷ سالگی، شب تاسوعا در کرمان به سرای باقی شتافت. او دارای دکترای فلسفه از انگلستان بود و به مدت هفت‌سال نمایندگی ایران در سازمان ملل، دو دوره نمایندگی مجلس، ریاست دانشگاه کرمان و بسیاری مسوولیت کلیدی در دوران خدمت خود را بر عهده داشت. می‌توان او را از چهره‌های خدمتگزار جامعه علمی و سیاسی ایران دانست، همچنان که با شادروانان دکتر فضل‌الله اکبری، بنیانگذار موسسه علوم اداری دانشگاه تهران، دکتر محمدعلی احمدی، بنیانگذار کانون علوم اداری ایران و سایر متفکران این مرکز علمی و تحقیقی همکاری و آثار ارزنده علمی به یادگار گذاشت.

رجایی خراسانی در دوران ماموریت در نیویورک با شیطنتی که قصد اصلی آن تضعیف حکومت ایران و منصوبان سیاسی آن بود، مواجه شد به این ترتیب که رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، افتراهای سختی بر او وارد آوردند که این شایعه عمدی و نابجا، بازتاب سیاسی گسترده‌ای یافت... . شادروان رجایی با سعه‌صدر و بزرگواری در چارچوب منافع ملی و تقویت ارزش‌ها، همه ناملایمات را به جان خرید و خم به آبرو نیاورد. او به‌جد سعی می‌کرد برخلاف سیاسیون حرفه‌ای نقش خود را که برآمده از ضرورت اتحاد و همگامی و تشخیص اولویت‌ها برای پیشرفت جامعه و ارزش‌گذاری به نقش جوانان تحصیلکرده و فرهنگ غنی ایرانی و... بوده به‌خوبی ایفا کند. هر چند کماکان این دیدگاه‌ها «روابط بین گروه‌های سیاسی فعال درون کشور» نقش خود را نشان می‌دهند و به همین دلیل از هر دو گروه سیاسی کسانی در مراسم تدفین ایشان حضور یافتند. رجایی‌خراسانی تا آخرین روزهای حیات خود، حتی در دوران بستری از فکر ایران و ایرانی و نیازهای جامعه تحول‌خواه و جوانان پویا و مستعد و دلسوز مام میهن غافل نبود و به یقین این اندیشه مناسب روز و زمان را جامعه دانشگاهی کشور حفظ، تقویت و ادامه خواهد داد.

سایه سنگین همسایه‌ها

L'EXPRESS

توییت سناتور مک‌کین: «زنده‌باد فرانسه»

«جان مک‌کین» یکی از سناتورهای برجسته جمهوریخواه آمریکایی در توییت خود با تحسین عدم سازش فرانسه در مورد پرونده هسته‌ای ایران نوشت: «فرانسه این جسارت را داشت تا مانع امضای توافق بعدی با تهران شود، زنده‌باد فرانسه». او جمله زنده‌باد فرانسه را هم به فرانسوی نوشت. در طول سه‌روز مذاکره در ژنو فرانسوی‌ها بارها آشکارا بر نقاط انسداد احتمالی توافق دست گذاشته بودند و بر نبود ضمانت‌ها در توافق احتمالی تاکید می‌کردند. این موضع‌گیری‌های فرانسه باعث شد تا ایران این کشور را متهم به «بازی خراب‌کن» این دور مذاکرات کند. «لیندسی گراهام»، دیگر سناتور آمریکایی هم دست به دعا برداشته و در سی‌ان‌ان گفته است: «خدایا برای فرانسه از تو متشکرم، خدایا برای رد این توافق از تو متشکرم. خیلی وقت است که این حرف‌ها را نشنیده بودیم، اما بگذارید برایتان توضیح دهم، فرانسوی‌ها در مسیری هستند که دست بالا را در مذاکرات خواهند داشت.» کنگره هم‌اکنون پذیرفته است تا تصویب تحریم‌های بیشتر را برای مدتی به تعویق بیندازد برای اینکه هم فرصت اعمال تحریم‌های دیگر و هم گوش‌دادن به ایران را همزمان با هم نگه دارد. استدلال گراهام این است که آمریکا خواستار امضای توافقی درازمدت با ایران است. متن درخواست سناتورها از کنگره دربردارنده چهار نکته است: توقف غنی‌سازی، کنارگذاشتن سانتریفیوژها، توقف ساخت رآکتور تولیدکننده پلوتونیوم و اجازه بازرسی جامعه بین‌المللی از چرخه سوخت بین‌المللی.

FP Foreign Policy

چرا عربستان از توافق با ایران متنفر است؟

به‌موازات اینکه «باراک اوباما» به‌دنبال انعقاد توافقی تاریخی با ایران بر سر برنامه هسته‌ای‌اش است، این کشور برای اولین‌بار بعد از ظهورش به‌عنوان قدرت عمده جهانی در موقعیتی قرار گرفته است که همه متحدان کلیدی‌اش مثل مصر، عربستان و اسراییل در تقابل با سیاست‌های واشنگتن موضع گرفته‌اند. در عین حال که آمریکا خود را برای دور بعدی مذاکرات آماده می‌کند، روابط واشنگتن-ریاض تحت بیشترین فشارها قرار دارد. در حالی که اسراییلی‌ها پیش از این گفته بودند، «عاشق قراردادبستن آمریکایی‌ها با ایران نیستند، اما می‌توانند با آن هم زندگی کنند»، دغدغه‌های سعودی بیشتر به محدودشدن حوزه نفوذ پادشاهی عربستان در جهان برمی‌گردد و تا حدودی هم به وضعیت قدرت در داخل پادشاهی سعودی. در نتیجه تحلیلگران و مقامات رسمی پیشین آمریکا بر این باورند که عربستان هر توافق واقع‌گرایانه با ایران را به‌نوعی بازشناسی خواست‌های هژمونیک تهران در خاورمیانه تلقی می‌کند. یکی از کارشناسان مسایل خاورمیانه در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی معتقد است: «مقامات سعودی فکر نمی‌کنند که چنین توافقی به صلح ختم می‌شود بلکه گمان می‌کنند به استیلای ایران در خلیج‌فارس ختم خواهد شد... . در اذهان سعودی‌ها توافق با آمریکا اصلا مربوط به خواست‌های ایرانی‌ها نیست بلکه چنین توافقی فقط به بیرون‌گذاشتن آمریکا به‌عنوان نیروی متعادل‌کننده در منطقه منتهی خواهد شد.» سعودی‌ها از کوتاه‌آمدن آمریکایی‌ها در حمله به سوریه و موضع شدید آمریکا در مقابل حکومت‌های بحرین و مصر به‌شدت عصبانی هستند. آمریکا و عربستان‌سعودی وقتی درمورد اولویت‌های خاورمیانه‌ای‌شان صحبت می‌کنند باید گفت درمورد اولویت‌هایی سخن می‌گویند که با یکدیگر غیرقابل جمع هستند. درواقع به‌قول یکی از کارشناسان منطقه، عربستانی‌ها در پی بازداشتن ایران از گسترش توانمندی و نفوذش در منطقه هستند... . عربستان از این بیمناک است که اگر تکلیف رژیم سوریه را روشن نکند، سرزمین بعدی دستخوش این تحولات، خود عربستان خواهد بود. اما نباید فراموش کرد که، تهدیدی که به‌زعم عربستان از سوی ایران وجود دارد، دغدغه هیچکس در واشنگتن نیست، سعودی‌ها نگران نفوذ ایران در دولت‌های منطقه و نفوذ شیعیان در منطقه هستند که از نگاه آنان می‌تواند زمینه جنگ نامتقارن با رژیم‌های سنی را فراهم کند. اینکه انتظار داشته باشیم که روابط تهران- واشنگتن به دوران شاه بازگردد، عجیب و مضحک است. مقامات فعلی عربستان- مثل «سعود الفیصل» که چهارسال پیش از انقلاب ایران به وزارت خارجه پادشاهی سعودی رسید و ملک‌عبدالله که ریاست گارد ملی عربستان را برعهده داشت- خاطرات دقیقی از آن دوران دارند. دغدغه‌های این‌چنینی برای عربستان باعث نگرانی و بلندکردن صدای ریاض و تغییر لحن این کشور می‌شود. کارشناس مرکز فوق خاطرنشان کرده «زمانی که جان‌کری ماه پیش به عربستان رفته بود، آنها تلویحا به آمریکا گفته بودند که مخالف هرگونه توافق و لغو تحریم علیه ایران هستند. آنها می‌خواهند که ایران تنبیه شود.»

The American Conservative

بدون دیپلماسی، فقط جنگ باقی می‌ماند

اگر نخست‌وزیر اسراییل موفق شود که مسیر دیپلماتیک با ایران را برای همیشه مسدود کند، تنها راه باقیمانده جنگ خواهد بود. این دقیقا همان چیزی است که «نتانیاهو» می‌خواهد. آنچه تل‌آویو و ریاض را به وحشت می‌اندازد، جنگ آمریکا با ایران نیست، بلکه چشم‌انداز فوق‌العاده ازسرگیری رابطه تهران- واشنگتن است. با وجودی که آمریکا زمینه‌سازی انعقاد قرارداد را با آمدن بدون برنامه‌ریزی «کری» به ژنو رقم می‌زد، فرانسوی‌ها در فضای نئومحافظه‌کاری قرار گرفتند. «پنیرخورهای مدافع میمون‌های ۲۰۰۳» که مخالف جنگ عراق شده بودند و علیه آن موضع گرفته بودند ناگهان نقش قهرمان‌ها را بازی کردند. وال‌استریت ژورنال تیتر زده بود «زنده‌باد فرانسه» و تشریح کرده بود که دولت سوسیالیست فرانسه، غرب را از توافقی که از اتمی‌شدن ایران جلوگیری نکند، نجات داد. آیا اولاند واقعا غرب را نجات داده است یا اینکه زمینه را برای قراردادهای بزرگ تسلیحاتی با سعودی‌ها آماده کرده است؟ آنچه در پی این موضع‌گیری خواهد آمد مساله‌ای جدی است. اگر نتانیاهو موفق شود که بر سر راه مذاکرات تهران- واشنگتن خرابکاری ایجاد کند، مشکل است که تصور کنیم چگونه از وقوع یک جنگ دیگر در خلیج‌فارس جلوگیری کنیم؟ باید به خاطر داشت که ایران هیچ بمب اتمی‌ای در اختیار ندارد و هرگز آزمایش هسته‌ای انجام نداده است و حتی یک «اونس» هم اورانیوم ۹۰درصد غنی‌شده در اختیار ندارد. در ایران حتی فتواهای مذهبی به منظور حرام اعلام‌کردن ساخت بمب اتمی صادر شده است. این موضوع مورد توافق حداقل ۱۶دستگاه امنیتی آمریکا در سال ۲۰۰۷ هم هست. این سازمان‌های اطلاعاتی تاکید کرده‌اند که ایران هیچ تصمیمی برای ساخت بمب اتم ندارد. در مقابل ادعاهای سناتورهایی چون «گراهام» که مدعی هستند ایران دروغ می‌گوید، باید پرسید دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا هم دروغ می‌گویند. نتانیاهو چهار مسیر برای از کار انداختن ابتکار بهبود رابطه با ایران را دنبال می‌کند. اول، ایران باید پیش از لغو هرگونه تحریمی کل فعالیت‌های غنی‌سازی را متوقف کند. دوم، متقاعدکردن همکاران اسراییل در کنگره برای تحمیل تحریم‌های جدید و از بین‌بردن هرگونه عقب‌نشینی در مذاکرات. سوم، برانگیختن اجتماعات و انجمن‌های یهودی در سراسر دنیا برای فشار به دولت اسراییل برای طفره رفتن از هرگونه ابزاری برای مسدودکردن هرگونه توافق با ایران. چهارم، لابی اسراییل در پشت «لیندسی گراهام» و «ترنت فرانکس» قرار دارد تا از دستور هرگونه حمله پیشگیرانه به ایران توسط اوباما بدون مجوز کنگره حمایت کند. بسیار جای تعجب است که جمهوریخواهان مدعی درصدد ارایه چک سفید به رییس‌جمهوری دموکرات هستند. اصلا جای تعجب نیست که نتانیاهو و محفل برگزارکننده نمایش‌های او در کنگره، واکنش شدید جامعه بین‌المللی در را مورد عقیم‌گذاشتن مذاکرات ژنو زیرنظر دارند، اما آنها آمریکا را در خط مقدم به‌راه‌انداختن جنگ دیگری در خاورمیانه قرار می‌دهند، چیزی که مطلوب اسراییل و عربستان است و نه مردم آمریکا.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰
sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● یکی از کارمندان پست جمهوری‌اسلامی ایران هستم. براساس بخشنامه‌ای که هیات وزیران دولت قبلی برای انتقال کارمندان از کلانشهر به شهرهای کوچک تصویب کرده بودند. اقدام کردم. اردیبهشت سال ۹۲ برای انتقال نامه نوشتم و توانستم موافقت پست تهران را به دست بیاورم ولی مدیرکل پست استان گیلان مخالف هستند با توجه به اینکه تمام زندگی‌ام را در تهران فروخته‌ام تا بتوانم در شهرستان خانه کوچکی تهیه کنم ولی با مراجعه فراوان که در این ۶-۵ ماه انجام دادم موافقت صورت نمی‌گیرد. خانواده‌ام در شهرستان تنها مانده‌اند و خودم در تهران کار می‌کنم. می‌خواستم از طریق «الو شرق» صدایم را به گوش مسوولان مربوطه برسانم.

کوهستانی

● از طرف حدود ۲۰۰نفر از نیروهای شرکتی در دانشگاه کردستان تماس می‌گیرم، با توجه به جلسات هیات‌امنا و موافقت‌هایی که صورت گرفته، قرار بود تغییر وضعیت پیدا کنیم به‌خصوص وضعیت حدود ۵۰نفر از پرسنل نگهبان در این مجموعه ولی متاسفانه عده‌ای در دانشگاه کردستان کارشکنی می‌کنند. لطفا این موضوع را در روزنامه چاپ کنید. شاید مسوولان پیگیری کنند.

یک مخاطب از سنندج

● از دولت تدبیر و امید خواهش می‌کنم برای کم‌فروشی‌ها و گرانفروشی‌ها بازرس‌ها را فعال کنند. مردم با حقوقی که دریافت می‌کنند و با این گرانی‌های موجود در بازار کمرشان خم شده. مساله دیگر هم وضعیت اجاره خانه‌هاست. من و همسرم مدت دو، سه‌ماه است که با ودیعه ۲۰میلیون‌تومانی و اجاره ۸۰۰هزارتومان هم نمی‌توانیم خانه‌ای را برای خود پیدا کنیم. مگر یک کارمند چقدر حقوق می‌گیرد که بخواهد با این وضعیت زندگی کند؟

● در روزنامه مورخ ۱۸ آبان در ستون صفحه ۴ خبری را درج کرده بودید با عنوان «۴۴۰میلیاردتومان حق کارگران در جیب کارفرمایان»، می‌خواستم عرض کنم آن چیزی که وزارت کار تا به حال به کارفرمایان اعلام کرده ۱۵هزارتومان بوده نه ۲۵هزارتومان. من به‌عنوان یک کارفرما این را به کارگرانم پرداخت کردم. چطور شما خبری را که قطعی نشده بااین قاطعیت اعلام می‌کنید؟ با توجه به روشن‌نبودن روابط بین کارگر و کارفرما و آن ذهنیت غلطی که به‌طور کلی در جامعه ما وجود دارد که کارفرما، کارگر را استثمار می‌کند و حق کارگر را می‌خورد به‌نظرم عنوان‌کردن این مطالب عدم اعتماد را بیشتر می‌کند.